

در آمدی به اندیشه‌های سنوسیه در لیبی

سید میر صالح حسینی*، سید محمد حسین حسینی رکن آبادی**، ابراهیم وترا***

چکیده

یکی از حرکت‌های مهم ضد استعماری قرن نوزدهم میلادی در برخی از کشورهای اسلامی، جریان سید محمد بن علی السنوسی است. وی صوفی و مالکی مذهب است که براساس تصوف و عرفان، زوایای (خانقاه) متعددی در لیبی بنا کرد. سؤال این است که جریان سنوسیه چیست و عوامل تأثیرگذار بر آن و نقاط قوت و ضعف آن چگونه است؟ توصیف جریان سنوسیه و تحلیل فکر و حرکت انقلابی شخصیت‌های برجسته آن، همانند سید مهدی، احمد شریف و ... که در مبارزه با استعمار ایتالیا تلاش کرده‌اند، از اهداف دیگر این پژوهش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این جریان، از طریق زوایا به ترویج تعالیم دینی خصوصاً عقیدهٔ اجتهاد، وحدت، تهذیب اخلاق، بیداری وجدان، ایستادگی در برابر ظلم و تلاش برای استقلال لیبی پرداخته و از محبوبیت خود در بین مردم و جهاد در برابر استعمار فرانسه و ایتالیا بهره برده است. بررسی شخصیت‌های انقلابی سنوسیه و بیان قوت و ضعف آنها، از نوآوری‌های این پژوهش است

کلیدواژه‌ها: سنوسیه، لیبی، اندیشه‌های انقلابی، محمد سنوسی

*. استاد یار جامعه المصطفی العالمیه. Hossini-mir@ yahoo. com

**. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی العالمیه. (نویسندهٔ مسؤول) Hosseiny.sm-110@ gmail.com

***. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی العالمیه. Tchirfou@ gmail. com

دریافت: ۹۸/۰۲/۱۰ تأیید: ۹۸/۰۴/۱۷

مقدمه:

ظهور حرکت‌های اصلاحی اسلامی در قرن ۱۹ و ۲۰، دارای ویژگی‌هایی است: تکیه بر اصول و افکار برخی از جریان‌ات صوفی‌گرایانه که مخاطبان خود را نه تنها از طبقهٔ نخبگان، بلکه عموم مسلمانان می‌دانند؛ این بر خلاف حرکت‌های دیگر مانند تلاش‌های سید جمال الدین افغانی، سید قطب، شاه ولی الله دهلوی که مخاطبان خود را فقط طبقهٔ نخبگان دانسته‌اند می‌باشد. دیگر اینکه، این نوع حرکت‌ها، اصل قیام و جهاد را جزء اصول خود می‌دانند و به ارائهٔ راه‌حل‌های فکری و با رویکرد تربیتی اکتفا نکرده‌اند. یکی از افراد جریان ساز در این حرکت‌ها که مریدان بسیاری را در شمال آفریقا از جمله لیبی و الجزایر و نواحی آن به دست آورد، سید محمد بن علی سنوسی است (فلیح حسن، ۲۰۱۶: ۲۰۳). وی در شهر مستغانم در الجزائر چشم به جهان گشود (Ziadeh 1958 : 45) و در حوزه‌های فاس، تلمسان، قاهره و مکه به تحصیل و تدریس پرداخت و به درجهٔ «مفتی» نائل شد. وی اولین زاویه^۱ خود را در سال ۱۸۳۷ در کوه ابوقبیس در مکه و دومین زاویه را در «بیضاء برقه» بنا نهاد و تا زمان وفاتش ۲۲ زاویه را تأسیس کرد. مردم به جهت استقلال و عزتمندی و بی توجهی به نظر حکام به وی علاقه پیدا کرده و به او پیوستند. وی در سال ۱۸۵۵ با تأسیس زاویه‌ای در «جغوب» با خرید بردگان و ساکن کردن در زاویه و تربیت و تعلیم آنها در این زاویه، آنها را به عنوان مبلغان اسلام و نهضت سنوسی به مناطق مختلف آن ناحیه فرستاد و دین اسلام را در آن منطقه گستراند. رؤسا یا شیوخ زاویه، کسانی هستند که خیلی فعالند، آنها به خاطر برتری مقام علمی شان، شایستگی رهبری زوایا را دارند (Adams, 1943: 19-30).

این جریان به جهت تقابل با ستم و فساد حکام عثمانی در بین مردم محبوبیت پیدا کرد و مردمی که از ظلم حکام در امان نبوده و قحطی و خشکسالی آنها را پریشان کرده بود محمد سنوسی و حرکت او را ملجأ آمال خود یافتند. در زمان هجوم استعمار ایتالیا، این زوایا به پایگاهی در برابر هجوم استعمار تبدیل گردید و یکی از شاگردان مدرسهٔ سنوسیه یعنی عمر مختار ۲۳ سال (۱۹۱۱-۱۹۳۴) در برابر این تهاجم ایستادگی کرد و سرانجام پس از

۱. زاویه: مکانی برای اقامه شعائر دین با نماز و روزه و تهجد و فکر و ذکر و تلاوت اوراد و انقطاع الی الله و طلب معرفت و شهود و وصول الی الله عزوجل و فناء در محبت خدا و رسولش می‌باشد و به آن خانقاه، ربط و تکیه و غیر می‌گویند. (رفیق العجم، ۱۹۹۹، ۴۳۵)

محاصره یارانش و کشته شدن بسیاری از آنها، خود به اسارت نیروهای ایتالیایی در آمد و به اعدام محکوم شد (2005. Encyclopedia of word Biography). پس از آن، مبارزات جریان سنوسیه در مقابل استعمار توسط مهدی و احمد شریف ادامه یافت. سپس در سال ۱۹۴۳ ابن ادریس سنوسی نماینده جریان سنوسی به حکومت رسید و تا زمان کودتای معمر قذافی (۱۹۵۹) در حکومت بود.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به بررسی جریان سنوسیه می‌پردازد. در روش توصیفی تلاش شد اطلاعات گرد آوری شده را ابتدا به درستی و آنچنان که هست تدوین نماییم و در نهایت به تحلیل آنها بپردازیم. درباره پیشینه این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: پایان نامه‌ای با عنوان «الحرکه السنوسیه و علاقتها بالقوى الاقليمية والدولية محمد على عفين» نوشته شده است و برخی مقالات مرتبط با این موضوع بدین شرح است: «الحرکه السنوسیه فى أفريقيا فى ضوء تقرير سرى بريطانيا صادر عام ۱۹۰۸م»، فلیح حسن علی، یاسین شهاب شکرى، «الدعوة السنوسیه فى برقة» (۱۸۳۷-۱۸۵۹) دراسة مقارنة تاريخية، جاسم محمد شطب العبدی، «الزاوية السنوسیه نشاتها و دورها الاقتصادی (۱۸۴۱-۱۹۱۱)»، محمد علی محمد عفين، «السنوسیه فى ليبيا»، خلیل خوری، «السنوسیه و الجامعة الإسلامیه (حقائق نافع بیانها)» السيد عبدالحمید الزهراوی، «السنوسیه و زعيمها الاکبر»، محب الدين الخطيب، «البحوث التاريخیه عمر المختار و الحرکه السنوسیه»، توفیق سلطان الیوزبکی، «بحوث التاريخ الحديث و المعاصر عمر المختار و حرکه المقاومة المسلحة فى ليبيا ضد الاستعمار الايطالی، ۱۹۱۱-۱۹۳۱»، محمد علی داهش، اما تفاوت این پژوهش با کارهای مذکور این است که مطالعه جریان سنوسیه و آشنایی با شخصیت‌های اصلی آن و بررسی نقاط قوت و ضعف آنها از نکاتی است که در تحقیقات مذکور کمتر به آن توجه شده است.

چگونگی تأسیس نهضت سنوسیه

این نهضت توسط محمد بن علی سنوسی (۱۷۸۷-۱۸۵۹) در سال ۱۸۳۷ و با تأسیس اولین زاویه در مکه پایه‌گذاری شد. گفته می‌شود که وی^۱ از نوادگان امام حسن مجتبی علیه

۱. سنوسی به مهاجرت‌های گوناگونی پرداخت که عبارتند از :

السلام است (شکری، ۱۹۴۸: ۱۱). در سال ۱۸۴۰ در بازگشت از مکه خبر اشغال الجزایر توسط فرانسه در مرز تونس به او رسید و آنها به دنبال دستگیری او بودند. از این روی، وی چاره‌ای جز رفتن به منطقه جبل الاخضر نداشت و با تأسیس دومین زاویه به نام زاویه «بیضاء» به جهت تبرک جستن به صحابی مدفون در این منطقه «رافع انصاری»، آنجا را مرکز دعوت خود در لیبی قرار داد و نهضت سنوسی از همان جا به مناطق جنوب شرقی آفریقا گسترش یافت (احمد بن حلیم، ۲۰۰۳: ۲۴). شیوخ قسطنطنیه (استانبول) و مکه و مصر که با هر نوع تجدد مخالف بودند و نگاه سنتی داشتند در مقابل او ایستادند. حرکت او وحشت ترک‌های عثمانی را نیز که در افول به سر می بردند برانگیخت.

سنوسی در اواخر عمر خود، برای دور بودن از خطر والی ترک بن‌غازی و به جهت انتشار نهضت خود به شهر جغبوب که دارای قبایل مستقل زیادی بود و تفکر سنوسی را پذیرفته بودند، هجرت کرد و برای گسترش و ترویج اسلام مورد نظر خود، برای مردم بت‌پرست بدوی اطراف آن منطقه تلاش کرد (Ewald-Fall, 1913: 33). این منطقه، به جهت دارابودن زمین‌های بیابانی و شوره‌زار، پناهگاه تبهکاران محسوب می‌شد؛ ولی پس از تأسیس زاویه بزرگ و مدرسه سنوسی در آنجا، محل امنی برای عبادت و تعلیم اسلامی گردید. وی برده‌های زیادی را خریداری کرده و سپس آنها را آموزش داده و به سرزمین‌شان فرستاد تا به نشر و تبلیغ اسلام بپردازند (شبل، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۳). هرچند قبایلی نیز بوده‌اند که با حرکت سنوسیه مخالف بودند و همکاری نمی‌کردند (E. Mangin no38, 1895: 32). اما تعداد زوایای نهضت سنوسیه در زمان وفات سنوسی به عدد ۲۲ رسید (شبل، ۱۳۹۰: ۲۱) و پس از آن به ۱۲۱ عدد در سراسر شمال آفریقا از مصر تا مراکش و از طرف جنوب به صحرای سودان و سومالی و از طرف غرب به الجزائر و همچنین مناطقی از خارج آفریقا رسیده است (سلیمان المدنی، ۱۴۲۸: ۱۱۵).

۱. تحصیل در محل تولد خود، مستغانم الجزائر

۲. کوچ به فاس و ۷ سال تحصیل در آنجا

۳. توقف در قاهره

۴. سفر به حجاز و توقف به مدت ۱۵ سال

۵. بازگشت از مکه به طرابلس و شروع مبارزه تا زمان وفات (الصلاهی، ۱۴۳۰، ۲۲-۴۸)

وی در شهر مستغانم الجزایر در سال ۱۲۰۲ ق به دنیا آمد. سنوسی نام یکی از قبائل الجزائر است که در نزدیکی کوه سنوس در منطقه تلمسان مستقر شده و لذا به آن نام مشهور شده است (البهی، ۱۴۰۱، ۸۵).

وی در سلسله تصوف خود، خرقة^۱ حاتمیه را به کار برد (حاتمیه منسوب به جد ابن عربی یعنی حاتم طایی است). این تصوف از طریق سلسله ابن عربی گرفته شده است. سنوسی سلسله خرقة خود را چنین معرفی می‌کند: محمد بن علی السنوسی؛ أبو البقاء محمد بن یوسف، المشهور بعبد النبی؛ أحمد بن علی الدجانی... أبو عبد الله محمد بن سیرین المغربي.. ناصر الدین علی بن أبی بکر الملطی؛ صدر الدین القونوی؛ ابن عربی (عثمان یحیی، ۲۰۰۱: ۶۴۵)

محور اصلی حرکت سنوسی، ارتقاء فرهنگ و تمدن مسلمانان به همراه شوق روحی بود و زوایای او در مناطق مختلف از جمله در قاهره مصر به عنوان یک پایگاه فکری تأثیر عمیقی در بین مردم نهاده بود (همان). این جریان به جهت شیفتگی صوفیانه‌ایی که داشت توانست محمد عبده را از طریق دایی خود که از تابعان آن جریان بود، تحت تأثیر عمیق قرار دهد (احمد امین، ۱۳۷۶: ۲۹۸).

جریان سنوسیه را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد: ۱- مرحله تأسیس؛ ۲- دوران رشد و شکوفایی؛ مبارزه محمد مهدی و احمد شریف؛ ۳- مرحله مبارزه با استعمار ایتالیا توسط عمر مختار؛ ۴- دوران حکومت و انحراف از برخی اصول نهضت: پادشاهی ابن ادریس.

تأثیر متفکران مسلمان بر معرفت صوفیانه سنوسیه

برخی از متفکران اسلامی در فعال شدن اندیشه‌های صوفی‌گرایانه سنوسی نقش و تأثیرات زیادی داشته‌اند. این گونه تأثیرات را می‌توان با نگاه جامعه‌شناسانه مورد مطالعه قرار داد. اندیشمندان اجتماعی معتقدند که بسیاری از تفکرات فردی ریشه در محیط اجتماعی

۱. خرقة تصوف، لباسی است که مرید از دست قطب خود، می‌پوشد و به دست او توبه می‌کند. با دلایل و اموری این عمل صورت می‌گیرد که عبارتند از: ۱- از جهتی به لباس مراد ملبس می‌شود تا باطنش را به صفات او در ظاهر و باطن بیاراید، و آن لباس تقوا است؛ ۲- به برکت قطب که با دست مبارکش او را لباس پوشانیده است، نایل گردد؛ ۳- به آن چیزی که بر شیخ در هنگام لباس پوشانیدن دست می‌دهد، آگاه شود، حالی که شیخ با بیش نافذ که منور به نور قدس است، می‌بیند که مرید در رفع حجاب‌های مانع و تصفیه استعدادش به او نیازمند است. چون به حال کسی که با دستش توبه کرد، نور حق را می‌یابد و نزول آن را از خدا می‌خواهد تا قلبش بدان متصف شود. پس، از باطنش به باطن مرید سرایت می‌دهد و ۴- پیوند یافتن میان او و شیخ. پس اتصال قلبی و محبت همیشه بین آن دو باقی می‌ماند و یاد می‌کند او را همیشه و از طریقه و سیرت و اخلاقش پیروی می‌کند تا به مرتبه مردان برسد؛ زیرا او پدر حقیقی است (کاشانی، ۱۴۲۶، ۲۵).

دارند(توکل، ۱۳۸۸: ۲۶ و ۴۲). از این رو در اینجا به تأثیرات جامعه بر اندیشه سنوسی و در ادامه به تأثیرات اندیشه سنوسی بر جامعه خواهیم پرداخت.

- ۱- تأثیر حوزه منطقه تلمسان و حوزه مستغانم بر اندیشه سنوسی؛ ۲- تأثیر حوزه فاس؛
- ۳- تأثیر الازهر مصر؛ ۴- تأثیر حوزه حجاز و مکه .

قبیله سنوسی در منطقه تلمسان مستقر بوده و محمد علی سنوسی اندیشه صوفیه را از طرق صوفیه مختلف انتخاب کرده است (25: The place of the sanusiya). رجال صوفیه بسیاری از جمله عقیف الدین تلمسانی(۶۱۰-۶۹۰) شارح برجسته کتاب «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری را می‌توان منسوب به این منطقه دانست. ابن الزیات، صاحب کتاب «التشوف الی رجال التصوف» که خود اهل منطقه‌ای بین فاس و تلمسان است افراد متعددی از صوفیه را که در این منطقه بوده‌اند گزارش می‌کند و برخی از آنها نیز در این منطقه از دنیا رفته و دفن گردیده‌اند(همان: ۹۰ و ۱۰۱ و ۲۳۸ و ۲۵۹ و ۳۰۳ و ۳۶۵ و ۳۷۵). محی‌الدین نیز در فتوحات از ملاقات با اکابر رجال که هم نشین ملائکه‌اند و به عالم خیال عروج کرده‌اند و اهل منطقه تلمسان بوده‌اند حکایت می‌کند(ابن عربی، بی تا، ج ۱: ۲۷۴ و ج ۲: ۱۸). همچنین محی‌الدین عربی نقل می‌کند که دایی وی یحیی بن یغان حاکم و پادشاه تلمسان بوده و با دیدار عارفی که ساکن آنجا بود متحول شده و به جرگه زاهدان و عابدان می‌پیوندد(ابن عربی، ج ۲: ۱۸). حکایت این دیدار، در کتب متعدد عرفانی نیز نقل شده است(به عنوان نمونه رک جامی، ۱۸۵۸: ۶۴۳). محی‌الدین نیز خود مسافرتی به تلمسان داشته و در آنجا مدتی اقامت داشته است و خوابی را که در آنجا دیده در کتاب فتوحات نقل می‌کند(جهانگیری، ۱۳۷۵: ۵۲). هملتون، درباره محمد علی سنوسی بر این باور است که او دارای همه صفات یک قدیس عربی و اسلامی است (98: Hamilton, 1856).

بنابراین تفکرات صوفی عالمان و اندیشمندان این منطقه و همچنین زوایا و عبادتگاه‌های آن را می‌توان بستر مهمی برای شکل‌گیری اندیشه‌های صوفی جریان سنوسیه و محمد بن سنوسی که خود در این منطقه رشد یافته است قلمداد کرد. علاوه بر این، وی به مدت هفت سال در حوزه علمیه شهر فاس به تحصیل پرداخت و از مشایخ بزرگ آن دیار گردید(الصلابی، ۱۴۳۰: ۲۴). سنوسی به احتمال زیاد شیخ تیجانی را که در زمان هجرتش به «فاس»، در آنجا ساکن بوده را ملاقات کرده است؛ چنانکه احمد شریف نوه وی بیان

می‌کند که جدش تعالیم تيجانی را از وی اخذ کرده و قرآن را برای وی خوانده است (احمد صدقی الدجانی، ۱۹۶۷: ۴۹). وی در آنجا طرق مختلف صوفیه از جمله قادریه، شاذلیه، درقاویه، ناصریه، حبیبیه، جزولیه و غیره را تدریس کرد و به قصد تدریس و اطلاع از دیگر فرقه‌ها و همچنین روشنگری طلاب و تهذیب نفوس آنان به مناطق مختلف از جمله «عین مهدی» برای تدریس فرقه تيجانیه سفر کرد (Evans-Prichard 1949: 11).

از اینجا می‌توان به تأثیر پذیری سنوسیه از تيجانیه در برخی عقاید و آداب صوفیه پی برد. اطلاعات گسترده سنوسی در مورد فرق مختلف تصوف مربوط به همین دوره است که نشان می‌دهد حوزه فاس در کنار تلمسان، تأثیر مهمی در اندیشه تصوف سنوسیه داشته است.

سنوسی در مصر نیز از اندیشمندان آن دیار بهره برد و پس از مدتی از علماء بزرگ آن دیار گردید. اما مشایخ آنجا انتقادات وی را مخصوصاً نسبت به بسته بودن باب اجتهاد برنماییدند و در مقابل او ایستادند و وی را به عنوان بدعت‌گذار دین معرفی کردند و مردم را از اطراف وی دور و حتی اقدام به قتل ایشان کردند. آنچه سنوسی را در مصر مصمم‌تر کرد: انحطاط حکومت عثمانی، ضعف دولت خلافت از دفع تجاوز استعمار اروپایی از بلاد مسلمان از جمله الجزایر و پیروزی محمد علی پاشا که عامل تحقق افعال استعمار در مصر بود می‌باشد (همان: ۱۷). لذا آنچه در این دوران سنوسی را به فکر امامت مسلمین می‌انداخت: لزوم نشر دین سلف در بین مردم، وجود تفرقه در بین مسلمانان و استبداد رأی این گروه‌ها، عدم قیام علماء مسلمان در نشر تعالیم در بین طبقات مردم و آموزش صنایع و سلاح و برطرف کردن حاجات مردم است. لذا سنوسی در کنار تحصیل علوم مختلف به فراگیری صناعات و فنون جنگی روی آورد. (همان: ۱۸ و ۱۹).

سنوسی در مکه نیز از احمدبن‌ادریس الفاسی که آوازه و عظمت علمی‌اش در شهرهای مختلف پیچیده بود علم آموزی کرد. سنوسی، رفیق و مرید وی در علم و فکر و تقوی گردید و به همین جهت وی نقش مهمی در تشکیل جوانب شخصیت سنوسی ایفا کرد تا اندیشه شکل‌گیری دعوت خود را در آنجا تکمیل کند (مصطفی احمد بن حلیم، ۲۰۰۳: ۲۷). اهمیت تأثیر گذاری احمدبن‌ادریس بر شخصیت و اندیشه سنوسی به حدی است که برخی جریان سنوسیه را به احمدبن‌ادریس نسبت می‌دهند (حسن محمود، ۱۴۱۹: ۱۳).

تأثیرات اندیشه سنوسی بر جامعه

تأثیر اندیشه سنوسی بر جامعه را می‌توان از رفتارهای اجتماعی پیروان آنان به دست آورد. جریان سنوسی به امور عبادی و زهد در خوراک و پوشاک اهتمام داشتند و از خوردن چای و قهوه و سیگار اجتناب می‌کردند. همچنین اهتمام به کار و تلاش جسمانی از تعلیم اصلی سنوسی است. به همین جهت کشاورزی و تجارت از مراکز جریان سنوسی در لیبی بروز و ظهور یافت و رشد کرد. همچنین جهاد دائمی در راه خداوند بر ضد استعمارگران فرانسه، ایتالیا و انگلیس شعار دائمی سنوسی بوده است و هزاران نفر در این راه در مقابل استعمار ایتالیا جان خود را از دست داده‌اند (المدنی، ۱۴۲۸: ۱۱۵).

از ویژگی‌های این جریان، روحیه صوفیانه و آمیخته با جهاد است. امری که پیش از آن سابقه نداشت و تصوف، قبل از آن با انزوا و گوشه‌گیری همراه با عبادت و عدم دخالت در سیاست شناخته می‌شد. لذا برای اولین بار در تاریخ تصوف، زوایا به پایگاهی برای مقاومت در برابر استکبار تبدیل شدند و در حقیقت جهاد و عبادت یکی شمرده شد. بنابراین آنچه سنوسی را از فرق دیگر تصوف پیش از خود متمایز می‌کند پیوند بین تصوف و کار و تلاش اجتماعی و حماسه و جهاد بوده است و اینکه تصوف از انزوا و زاویه‌نشینی و عدم اعتنا به حکومت و سیاست در آمد و خود در صحنه اجتماع نقش آفرینی می‌کند. این موضوع باعث شد حرکت اصلاح گرایانه محمد سنوسی به حرکتی اجتماعی و فعال تبدیل شود و پس از او نیز جبهه مقاومت در برابر استعمار شکل گیرد.

نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که علت استعمار لیبی از طرف ایتالیا، نه به خاطر مقاومت لیبی‌ها و نه به خاطر رقابت اقتصادی این سرزمین با ایتالیا رخ داده، بلکه به خاطر منافع سیاسی و رقابت‌های اروپایی‌ها جهت استعمار هرچه بیشتر کشورهای دیگر است. از این روی در لیبی این مواجهه استعماری و مقاومت مسلمانان به خسارت ایتالیا و پیروزی فرانسه و انگلیس انجامیده است (Nicola 2010: 1-3).

توجه جدی سنوسی به مسئله تربیت نیز حائز اهمیت است؛ چراکه از همان ابتدا وی زوایا را به عنوان مرکز تربیت شاگردان علوم دینی کرد و حتی از تربیت کودکان و زنان غافل نشد و زنان را برای تبلیغ بین زنان قبائل بت پرست تعلیم داد (المدنی، ۱۴۲۸: ۱۱۵).

روش تربیتی وی با اتخاذ از تصوف، تربیت و تزکیه نفس و مقیاس تصوف او نیز کتاب و سنت بود (الصلابی، ۲۰۰۱: ۱۷). سنوسیه موفقیت‌های فراوانی در تبلیغ داشتند؛ گسترش اسلام در مناطق مختلف، افزایش تعداد حجاج در آن مناطق، تبلیغ سنوسیه، سبقت گرفتن از تبشیری‌ها، روی آوردن قبایل بت‌پرست و مناطق سیاه‌پوست به اسلام، از نمونه‌های آن محسوب می‌شود (Fall, 1913: 14).

بنیان‌های فکری جریان سنوسیه

در اندیشه اعتقادی، سنوسی تحت تأثیر احمد بن حنبل و ابن تیمیه و ابو حامد غزالی و محمد بن عبدالوهاب و اندیشه اعتقادی وی بود. او به توسل به اموات و صلحا اعتقادی نداشت و تصوف را روشی برای ارتقاء مسلمانان قرار داد. وی مخصوصاً تحت تأثیر شدید افکار سلفیه در اثناء فريضة حج ۱۸۳۷ (۱۲۵۴هـ) قرار گرفت که این نقطه آغاز حرکت سنوسی بود. وی در تصوف تحت تأثیر مدرسه بزرگ صوفیه ابوالحسن شاذلی (متوفی ۶۵۶هـ) است که در جنگ منصوره در مقابل فرانسوی‌ها ایستاد (زقزوق، ۱۴۳۰: ۳۹۳).

سنوسی در کتاب «السلسيل المعين في الطرائق الاربعين»، چهل طریق تصوف را از میان طرق متعددی که فرا گرفته بود بیان کرده و به نقل از شیخ عارف ابراهیم کورانی ذکر می‌کند که راه‌های رسیدن به خداوند بسیار و به عدد انفاس خلایق است، اما حقیقت همه واحد است؛ چرا که مطلوب همه واحد است (السنوسی، خطی: ۴).

نکته‌ای که باید گفت این است که قاعده «الطرق الى الله بعدد انفاس الخلائق» که در کتب مختلف عرفانی آمده است، آن را روایت پیامبر اکرم (ص) می‌داند (جندی، ۱۴۲۳: ۹۷؛ آملی، ۱۳۵۲: ۲۳) و این به معنای صحت همه طرق نخواهد بود بلکه همه در غایت وصول الی الله مشترکند و از این جهت که به سوی حق تعالی سیر می‌کنند و در مسیر شریعت محمدی (ص) قرار دارند، حقیقت آن واحد است اما این که برخی طرق در اشتباه و انحراف بوده و برخی طرق انسان را سریعتر به مقصد می‌رسانند بحث دیگری است که مؤلف در ادامه کتاب به آن اشاره می‌کند (قیصری، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

وی با بیان مراحل سلوک مرید، قدم اول در سلوک را تصحیح عقاید دانسته و اینکه هیچ کاری را انجام ندهد مگر حکم الهی آن را بداند. بنابراین آنچه را از فقه لازم دارد باید

فرا بگیرد. سپس به ترکیه نفس و تهذیب اخلاق و صفای قلب از طریق غذای طیب و شنیدن احادیث انذار و تبشیر روی آورد. پس از آن مرید به اعمالی که وی را به سرعت به کمال می‌رساند روی آورد که از جمله آن نماز بر پیامبر است که مداومت بر آن موجب محبت بوده و بسیاری از مشایخ صوفیه با مداومت بر این نماز، پیامبر (ص) را در بیداری دیده‌اند. بنابراین نزد سنوسی، تصوف برای مقابله با شهوتهاست (الدجانی به نقل از السلسبیل المعین فی طرائق الاربعین، ۱۹۶۷: ۱۴۲ و ۱۴۳). سنوسی وجود شیخ و استاد سلوک را برای رهایی سالک از آفات نفس همچون عجب و ریا لازم می‌داند که بدون آن، طی طریق، سخت خواهد شد. به نظر می‌رسد، اولاً لزوم استاد راه سلوک تنها برای رهایی از آفات نفس و ریا و عجب نیست بلکه رسیدن به مقامات بلند عرفانی تنها با راهنمایی استادی است که خود، آن راه را طی کرده و به موانع و آفات راه آشناست و راه درست و صحیح را نشان می‌دهد و بدون او طی طریق ممکن نیست؛ چنانکه علامه طباطبایی بیان داشته است که نیاز به استاد تا زمان رسیدن انسان به مشاهدات ذاتیه و صفاتیه لازم است (حسینی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱۳۳). از این روی، منظور سنوسی از تصوف و عرفان، تنها سطح عمومی از عرفان است که غرض آن تنها خروج از موانع نفسانی و ترک شهوات و ریا و غیبت نکردن است؛ اما تجلی به صفات و مقامات قلبی و لایه‌های عمیق‌تر را تبیین نکرده و شاید به آن نرسیده است.

سنوسی به انحرافات برخی از رجال تصوف به جهت جهل و کمی معرفتشان و عدم تأدیب و تبعیت از هوای نفس اشاره کرده که موجب داخل کردن امور اشتباه در اخلاق تصوف شده است، سپس نمونه‌هایی از این موارد را شاهد می‌آورد. وی در مورد فرق ملامتیه بیان می‌کند که آنها از ریا می‌ترسیدند و لذا کارهایی را انجام می‌دادند که موجب دوری مردم از آنها می‌شد. بنابراین برخی برای دفع گناه بزرگ عجب، گناه کوچک را مرتکب می‌شدند و برخی خود را به جنون می‌زدند تا مردم از آنها رویگردان شوند. سنوسی بیان می‌کند که هرچند مبنای رفتار این گروه متناسب با یک قاعده‌ایی است که می‌گوید «کسی که به دو بلا مبتلا شود پس بلای خفیف‌تر را مرتکب شود» اما این طریق را انحرافی دانسته و شایسته تبعیت نمی‌داند (الدجانی، ۱۹۶۷: ۱۴۴، ۸۰-۹۲).

سنوسیه در اندیشه فقهی به مفتوح بودن باب اجتهاد اعتقاد داشت و روش دعوت وی با حکمت، گفتار، پند نیکو، دوری از خشونت (برخلاف وهابیت) و به کار گیری زور، مردم را

به جریان سنوسیه دعوت می‌کرد.

سنوسی کتب متعددی نوشته که البته معدودی از آنها در دست است. در کتاب «ایقاظ الونسان» با تقلید مذموم و تعصب، مخالف است و با تمسک به روایات اهل سنت، بیان می‌کند تقلید موجب جهالت، بدعت‌ها و پیرایه‌ها در امر دین می‌گردد (السنوسی، ۱۹۳۸: ۲۹). وی کتاب و سنت را اصل برای عمل قرار داده و اقوال علما را بر کتاب و سنت مقدم نمی‌کند (همان: ۴۳). در فصلی مستقل از کتاب به بیان معنای اجتهاد پرداخته و اجتهاد را دو قسم دانسته است: اجتهاد یا مطلق مستقل است و یا مطلق منتسب (مراد از مطلق، اجتهاد در تمام ابواب شرعی و فنون مربوط به آن می‌باشد) و اجتهاد مستقل را اکمل و افضل اجتهادها دانسته که در تمام ابواب شرعی و فنون مربوط به آن از کسی تبعیت نمی‌کند و خود مبتکر در آنهاست. اما اجتهاد منتسب اجتهادی است که شخص در احکام، مبتکر قواعد و اصولی برای خود نیست بلکه از یکی از ائمه مذاهب در قواعد و اصول تبعیت می‌کند (همان: ۶۶). همچنین در برخی از فتوهای مالکی با او مخالفت کرده است که از جمله آن می‌توان به دست بستن در نماز، حکم الاستعاذه و حکم بسمله در ابتدای حمد و سوره نماز، حکم قنوت و بالا بردن دست در حال دعای قنوت و.. اشاره کرد (الصلابی، ۱۴۲۲: ۱۷۳ به نقل از المسائل العشر، ۵-۷۴).

نقش هم‌فکران سنوسیه در گسترش این جریان

دومین رهبر حرکت سنوسی، سید محمد مهدی سنوسی (۱۸۴۴ - ۱۹۰۲) نام دارد (الصلابی، ۲۰۰۹: ۱۶۹ و ۲۱۰). وی فرزند سید محمد بن علی سنوسی پایه‌گذار حرکت سنوسیه است. او رهبری حرکت را به مدت چهل سال به دست گرفت و به جهت مدت طولانی رهبریش نسبت به دیگر رهبران نهضت و ترویج افکار خود در میان قبائل (الصلابی، همان: ۱۷۰) توانست حرکت را به اوج شکوفایی آن برساند و به همین خاطر، طرفداران و مریدانش لقب «بدر» را به او اطلاق کرده‌اند (Fall J. 1913).

با اینکه عقیده جهاد، یکی از محورهای دعوت سنوسیه بود، (الصلابی: ۱۸۵ و ۱۹۳، الاشهب: ۵۹). ولی سید مهدی لازم دید تا به جهت حفظ و تداوم آن، رویکرد تربیت نیرو را در پیش بگیرد و خود را در برابر نفوذ مسیحیت به روش مقاومت مسلحانه آماده کند (الصلابی،

همان: ۱۸۰). در صورت عدم وجود این استراتژی، حرکت آنان در همان روزهای اول درگیری مسلحانه با این نیروها از بین می‌رفت. البته وی می‌دانست که غربی‌ها همه حرکتشان را رصد می‌کنند بنابراین، فرانسه دست به جنگ رسانه‌ای زد و تلاش کرد به وسیله ایجاد درگیری بین او و دولت عثمانی از یک طرف و ایجاد نزاع با دیگر حرکت‌های مقاومتی از طرف دیگر از گسترش نهضت جلوگیری کند. در مقابل، سید مهدی به گسترش مراکز زوایای نهضت سنوسی و به سه برابر رساندن آن پرداخت و با تشکیل گروهی به نام "المجلس الاعلی" که شامل افراد تحصیل کرده و با تجربه بود طرح‌های خود را به اجرا در آورد (الاشهب: ۱۹۴۵، ۳۵). علاوه بر این، جنگ با استعمار فرانسه در سال ۱۳۱۷ هـ سبب شد که وی در این سال از منطقه «کفره» به سمت سودان غربی حرکت کند و در آنجا با فرانسه وارد جنگ شود؛ چرا که فرانسه در آن روزها اشغالگری سرزمین‌های اسلامی را توسعه داده بود و این خطری جدی برای امت اسلامی به شمار می‌رفت.

سومین هم‌فکر سنوسی، احمد شریف (۱۸۷۳-۱۹۳۳) برادر زاده سید مهدی سنوسی است (هویدی، ۱۹۹۸، ۲۲). وی همراه عمویش در جنگ‌های متعددی علیه استعمار فرانسه شرکت کرد (الصلابی، ۲۰۰۵: ۴۵). از جمله کارهای وی عبارتند از:

۱. عدم پذیرش صلح با ایتالیا؛ وی صلح با ایتالیا را نپذیرفت؛ چرا که یکی از اصول این نهضت، اخراج صلیبی‌ها از سرزمین‌های اسلامی بود و پس از اجرای این اصل، حکومت سنوسی را اعلام کرد و سپس جهاد را به تمامی سران سنوسی در لیبی و در سرزمین‌های دیگر پیشنهاد داد. همچنین تمامی مسلمانانی که سن شان بین ۱۴ تا ۶۵ سال بود را برای دفاع از اسلام با شعار "الجنه تحت ظلال السیوف" دعوت کرد (الصلابی، همان: ۲۹۸).

۲. تلاش‌های فراوان برای ایجاد صلح در حجاز؛ احمد شریف، در حجاز بین اطراف درگیر برای به پایان رساندن جنگ‌هایی که بین مسلمین وجود داشت تلاش فراوانی کرد؛ چراکه به نظر او این جنگ‌ها هیچ نفعی برای امت اسلام ندارد، بلکه همه توانایی‌های مسلمین را از بین برده و مانع شکوفایی و اعتلای اسلام خواهد شد. بنابراین وی با این اندیشه که یک دشمن حقیقی و مشترک یعنی همان استعمارگران غربی وجود دارد که باید قدرت‌ها جمع شوند و در برابر آنها بایستند، در این امر موفق شد و توانست صلح را بین طرف‌های درگیر ایجاد کند (ارسلان، ۲۰۱۰: ۱۷).

۳. شرکت در کارهای جهادی و ارشادی: احمد شریف، با اینکه در اواخر عمر خود در خارج از کشور زندگی می‌کرد، کارهای جهادی و ارشادی خود را ادامه داد و توانست کمک‌های مادی و معنوی زیادی به این حرکت بنماید (ارسلان: ۱۷). او همیشه در سخنرانی‌های خود بر جهاد تأکید می‌کرد و سرپیچی از آن را به مثابه خروج از دین می‌دانست، بنابراین کمک کردن به کفار را خروج از دین به شمار می‌آورد (السنوسی، ۲۰۱۳: ۱۵).

البته می‌توان گفت، اختلاف سلیقه، در تفاوت اندیشه این دو رهبر و نادیده گرفتن برخی اصول سنوسیه، و نیز ترجیح منفعت شخصی بر منفعت اجتماعی، سبب شد که ملک ادریس به یک پادشاه در لیبی تبدیل شود. او چهارمین و آخرین رهبر حرکت سنوسیه است (۱۸۹۰-۱۹۸۳) که در قاهره از دنیا رفت (الاشهب: ۲۱۰). در زمان رهبری عمویش احمد شریف، منصب برجسته‌ای در این حرکت داشت و بر سر اختلاف نظری که بین این دو شخصیت به وجود آمد مجبور به تقسیم قدرت شده و به رهبری امور دینی اکتفا کرد و رهبری امور سیاسی و دفاعی را به محمد ادریس سپرد (صلابی: ۳۵۰-۳۵۱).

به نظر می‌رسد یکی از اشتباهات بزرگ احمد شریف، کناره‌گیری از امور حکومتی و سیاسی و در نتیجه واگذاری آن به شخص نالایقی بود که تمام شخصیت و اندیشه او موافق استعمار است و بر خلاف آمال و اهداف نهضت سنوسیه قدم بر می‌داشت. ادریس سنوسی، پس از تلاش‌های مکرر نسبت به ایجاد فضای گفتگو و مذاکره با غربی‌ها مخصوصاً با انگلیس و ایتالیا و پس از تغییر برخی اصول سنوسیه، مانند جهاد ضد استعمارگران و صلیبی‌ها، حق تملک وسایل جنگی و مانند آن را تغییر داد، در حالی که هدف اصلی نهضت سنوسیه این بود که نه فقط سرزمین لیبی بلکه همه سرزمین‌های اسلامی به وحدت و انسجام عملی ضد کفر و استعمار صلیبی دست پیدا کنند و به سازندگی عملی و جهاد، حتی بصورت مسلحانه (مطابق شعار رهبر قبلی: الجنه تحت ظلال السیوف) و قیام بر ضد خمودی، سستی و جهل و ... که در آن زمان بر جهان اسلام سایه افکنده بود، روی آورند و مسلمانان را که در خواری و ذلت به سر می‌بردند نجات دهند. اما محمد ادریس با تأسیس حکومت و محدود کردن فعالیت‌های نهضت به مملکت خود، فضای گسترده‌ای که می‌توانست از آن در برابر استعمار استفاده کند را رها کرد و فقط در مملکت خود به ترویج افکار پرداخت. لذا با محدود شدن فعالیت نهضت به کشور لیبی با شورش معمر قذافی علیه وی، جریان نهضت

سنوسیه نیز به پایان عمر خود رسید. می توان گفت که ادريس سنوسى، با رفتارهاى خود، حرکت سنوسيه را از مسير اصلى خود خارج کرد و موجبات زوال نهضت سنوسيه را فراهم کرد. اين رفتارها عبارتند از:

۱. فرار او به طرف مصر: (کاندول، ۱۹۸۸: ۱۴۱ و الزاوى، ۲۰۰۴: ۸۳) در اين سفر مقدار زيادى از پول هاى حرکت را به همراه برد(غراسيانى، ۱۹۸۰: ۳۰ و الزاوى، ۱۵۹)؛ سفرى که باعث سردرگمى مقاومت شد. اين سردرگمى را در نامه احتجاجى اى که عمر مختار^۱ به سيد احمد شريف سنوسى نوشت مى توان ديد(libyanet.com)^۲. عمر مختار با برخى از سران قبيله هاى همکار، درباره فرار محمد ادريس سنوسى و دگرگونى اوضاع امنيتى، جلسه اى برگزار کرد تا راهکارهاى مناسب را پيدا کنند(صالحيه، ۱۹۷۸: ۱۵۲).

۲. کناره گيرى از سياست: او در مصر و پس از فرار از سرزمين خود، از مسائل سياسى فاصله گرفت و در آنجا -به تعبير خود- خيالى آسوده و زندگى بى رنجى داشت که تنها خروج او از محل زندگى اش براى بازى گلف و تنيس بود(کاندول، ۱۹۸۸: ۴۶ و ۳۶).

۳. بازگشت به ليبي: وى براى اينکه به عنوان رهبر حرکت سنوسيه به کشور خود

۱. عمر بن مختار بن عمر المنفى (۱۸۶۲-۱۹۳۱) از شخصيت هاى برجسته نهضت سنوسى و اسوه مقاومت اين جريان است(الصلابى، بى تا: ۷). در غيوب و زاويه به دليل نجابت و تيزهوشى اش مورد توجه سيد مهدى سنوسى قرار گرفت. پس از اتمام دروسش جهت حسن خلق و توانايى هايش و به جهت اعتمادش وى را شيخ زاويه قرار داد. توانايى هاى عمر مختار به حدى بود که مهدى سنوسى مى گفت اگر ده نفر مانند عمر مختار در نزد ما بود براى ما كافى بود(الزاوى، ۲۰۰۴: ۵۸-۵۵).

وى رهبرى تعدادى از زوايا را تا سال ۱۹۱۱ برعهده داشت. اما از سال ۱۹۱۱ که ايتاليا مناطق استراتژيك ليبي (طرابلس سرقه) را اشغال کرد، زاويه هاى که تا آن زمان صرفاً محل عبادت بود به مرکز جنگ و جهاد مسلمانان عليه استعمار تبديل کرد(Libya profile-timeline,bbc news Africa, 1 November 2011).

جنبش سنوسيه و نهضت عمر مختار به اعتراف نويسندگان عرب در بيدارى اعراب، تأثير ويژه اى داشت. عمر مختار يکى از چهره هاى مشهور در مقاومت اسلامى ضد استعمار غربى نيز شمرده مى شود (Peters. 1998: 104) و حرکت فکرى سيد جمال، محمد عبده و کواکبى، رشيد رضا رهبر جنبش سلفيه در مصر از تجارب اوليه اين نهضت بى بهره نبوده است(شيلى، ۱۳۹۰: ۱۱ و الملاح، هاشم يحيى، مجله بحوث التاريخيه، شماره ۲، سال دهم، ۲۶ و الزاوى، ۲۰۰۴: ۹۱ و اسماعيل، ۱۴۱۲: ۴۱).

۲- در اين نامه آمده است: «نخبرکم باننا و جميع اهل وطنکم العزيز فى حالة صعبه وخوف شديد ... و بسبب ذلك هرب الأمير إدريس والتجأ إلى مصر و ترکنا مشيتين بلا نظام ولا انتظام و أصبحنا کائنا سفینه فى وسط البحر لا نعرف شرق من غرب ...» (مجموعه اى از نويسندگان، البطل الليبى الشهيد عمر المختار، نشأته وجهاده، ج ۲).

برگردد، با انگلیس معامله کرد. قراردادی که آثار ناگواری بر این حرکت گذاشت که یکی از این آثار، آواره کردن سید احمد شریف و برخی از افراد حرکت است (الخطیب: ۳۳۷). همچنین برای اینکه معاهده‌اش، کارساز باشد، عنصر جهاد را در نهضت سنوسیه تضعیف کرد. بنابراین وی با این معاهده، حرکت جهاد را در کشور خود از بین برد و ایتالیایی‌ها را آسوده خاطر کرد (الزاوی، libyanet.com). برخی از فرماندهان جهاد در نهضت سنوسیه و همچنین حرکت‌هایی که با آن همکاری داشتند، با نتایج این معاهده مخالفت شدیدی داشتند که این مخالفت‌ها موجب درگیری‌ها و تنش‌های متعدد گشت. یکی از این مخالفان، "عمر مختار" (الجمال، سوقی، ۱۹۷۷: ۳۸۶، و الزاوی، ۱۹۷۰: ۲۴۸ و فولایان، اکولا، ۱۹۷۹: ۱۱۵-۱۱۴) و دیگری، "صالح الاطیوش" رهبر گروهک مغاربه در حرکت جهادیه است که این مخالفت به دستگیری و زندانی شدن او منجر شد؛ چرا که او این قرارداد را چیزی جز خیانت به مجاهدین نمی‌دانست (libyanet.com).

۴. ممانعت از تشکیل حکومت افراد صاحب نفوذ: وی دارای ضعف سیاسی بود. یکی از نمونه‌های ضعف سیاسی او، ممانعت وی از تشکیل حکومت از طرف "سید بشیر سعداوی" با مشورت انگلیس بود. به این جهت که ادريس از نفوذ دیگران می‌ترسید، لذا به او هیچ منصب سیاسی نداد چراکه او می‌خواست خودش تنها صاحب الامر بلا منازع در لیبی باشد. این امر باعث شد که انگلیس به سادگی او را کنترل کند و مطیع خود قرار دهد (المنتصر، ۲۰۰۸: ۳۶۶).

۵. قبول پادشاهی از طرف سازمان ملل: سازمان ملل استقلال را به لیبی داده و محمد ادريس را پادشاه قرار داد (ایتالندر، ۱۹۶۳: ۱۱۰) و این موضوع نیز با نقشه انگلیس بود. انگلیس برای اینکه بتواند سلطه خود را به بهترین وجه و به دور از چشم دشمن انجام دهد، پادشاهی ادريس سنوسی را تأیید کرد (غراسیانی، ۱۹۸۰: ۲۵۲).

۶. قبول هدایای ایتالیا به حرکت سنوسیه: ایتالیا برای ادريس سنوسی و حرکت سنوسیه مقدار پولی در نظر گرفته که برای خود پادشاه ۲۶۰۰،۰۰۰ فرنک ایتالیایی بود (غراسیانی: ۲۶ و کاندول، ۱۹۸۸: ۳۸). خود این پذیرفتن پول نشان از ضعف اندیشه سیاسی و عدم استقامت وی همچون مردان مقاوم سنوسیه دارد؛ چرا که با پذیرفتن این‌گونه هدایا در حقیقت به دشمن می‌فهماند که با پول می‌شود از برخی اصول نهضت هم سرپوشی کرد. با

این سیاست اسباب انحراف و زوال نهضت سنوسیه که با هدف تقابل با استعمار در میان مردم شکل گرفته بود فراهم شد.

۷. تبدیل حرکت دینی نهضت سنوسیه فراگیر، به حرکتی ملی و ناسیونالیستی: می‌توان گفت که آغاز حرکت سنوسیه، دینی بوده ولی به یک حرکت ناسیونالیستی عربی تبدیل شد؛ چرا که به جامعه العربیه پیوست (المنتصر: ۳۶۲). جامعه العربیه برای خود حکمرانی عربی تشکیل داده و در برابر سلطه عثمانی قرار گرفته بود.

۸. دورشدن از اسلام سیاسی و مبتلا شدن به سکولاریسم: قبل از پادشاهی ادریس سنوسی، نهضت تلاش می‌کرد تا غیر مسلمانان را به دین اسلام دعوت کند و در این راستا موفقیت‌های فراوانی داشت. حرکت سنوسیه، غیر مسلمانان را از سرزمین‌های دور و نزدیک جذب می‌کرد و پس از دیدن آموزش به سرزمین‌های خود می‌فرستاد تا کار تعلیم و تدریس را انجام دهند. اما در زمان پادشاهی ادریس، وی تلاش خود را برای استقلال لیبی به کار برد و کاری به اسلام نداشت (الأشقر، ۱۹۹۱: ۸۲).

نتیجه‌گیری

حرکت‌های انقلابی سنوسیه از زمان سید محمد بن علی سنوسی شروع و در زمان سید مهدی و احمد شریف، به اوج شکوفایی خود نائل گشت، شخصیت و خلوص و مشی صوفیانه و اخلاق مدار رهبران اولیه نهضت، جایگاه و محبوبیت فراوانی در بین مردم ایجاد کرد. این حرکت با همه کاستی‌ها در راستای رسیدن به هدف اصلی که همان ترویج افکار اسلامی اعم از اعتقادات، عبادات، امور فرهنگی، تربیتی و ... و جلوگیری از نفوذ غرب در کشورهای اسلامی بود تلاش می‌کرد. سنوسیه با سه استعمار بزرگ آن زمان یعنی ایتالیا، فرانسه و انگلیس روبرو بود. این سه کشور تلاش خود را برای تسلط بر سرزمین‌های تحت نفوذ سنوسیه انجام می‌دادند و این امر باعث شد که سنوسیه علاوه بر دعوت به اسلام می‌بایست از سرزمین‌های در معرض خطر نیز دفاع کند؛ از این روی، این دفاع بدون مقاومت مسلحانه و جهاد محقق نمی‌شد.

وجود تشکیلات سازمانی مناسب و بستر مکانی که همان زوایا بود باعث شد تا از این موقعیت در جهت اهداف خود بهره‌برد. اما پس از این شکوفایی، طولی نکشید که به افول

گراییده و شریان پویای این حرکت از بین رفت و جز بقایای اندیشه‌ها و عقاید و خاطرات آنان در عرصه نبرد با استکبار، چیزی از آن باقی نماند. رمز موفقیت جریان سنوسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. زوایا مکانی برای مدیریت مناطق تحت سیطره این جریان گردید؛ به نحوی که شیوخ زوایا به رهبری برای آن منطقه تحت حکومت خود تبدیل شدند، نامه آنها مستند و رسمی بود و از آن طریق پیوند بین زوایای مختلف ایجاد شد. به کالای هیچ کاروانی اطمینان نبود مگر اینکه از یکی از شیوخ زوایا نامه داشته باشد (شبل، ۱۳۹۰: ۲۶؛ شکری، ۱۹۴۸: ۴۹ و ۵۰).

۲. مدیریت اقتصادی و جهادی در جهت بهبود وضع معیشتی و اقتصادی مردم از طریق تشویق به کار و تلاش و راهنمایی‌های اقتصادی (عفین، شماره ۵۴: ۴۱۴).

۳. ایجاد امنیت عالی در مناطق تحت سلطه سنوسی (الصلابی، ۱۴۳۰: ۸۶).

۴. داشتن موقعیت مکانی زوایا به عنوان پایگاهی برای جهاد علیه استعمار و آموزش امور نظامی (همان).

۵. حل منازعات و اختلافات قبائل (شکری، ۱۹۴۸: ۱۱).

۶. تعلیم امور آموزشی و تربیت طلاب مدرسه سنوسی با تکیه بر سلوک معنوی (الصلابی، ۱۴۲۲: ۱۱۶). همراهی تعلیم درسی و آموزش جهادی در زوایا موجب تشکیل نیروی پنجاه هزار نفری آماده به جنگ شده است (شبل، ۱۳۹۰: ۲۶).

۷. پناه دادن به بردگان و فقرا در زوایا و تربیت و آموزش آنها جهت تبلیغ اسلام و فرقه سنوسیه، این امر موجب همراهی توده مردم و قشر ضعیف جامعه با این فرقه شد (همان: ۲۲).

۸. رویکرد معنویت‌گرا و تأکید بر تهذیب نفس شیوخ سنوسیه و وجود علاقه و بستر آن در جامعه با توجه به سابقه دار بودن زوایا در آن منطقه، لذا حرکت سنوسیه با حمایت صوفیان و اهالی زوایا همراه شد.

۹. ماهیت الهی دادن به جریان سنوسیه، چراکه در همان جایی که عبادت می‌کردند، تعلیم دیده و دروس تعلیمی را می‌خواندند و از همان جا برای جهاد آماده شده و حرکت می‌کردند.

۱۰. آسان بودن دستورات این فرقه که بیشتر اطاعت اوامر الهی را خواستار بود.

۱۱. تجارت با کشورهای دیگر و تأمین نیازهای اقتصادی از طریق تجار و وکیلان خود

(عفین، ۲۰۰۹: ۴۰۹).

۱۲. سیستم قبیله‌ای حاکم در لیبی و مناطق زیر نظر سنوسیه را می‌توان یک مزیت برای این جریان در کثرت هوادارانشان بیان کرد؛ چراکه زمانی که رئیس و بزرگان یک قبیله این جریان را می‌پذیرفتند بسیاری از افراد قبیله با آن جریان همراه می‌شدند. سنوسی نیز با ایجاد محبت در بین قبائل جغوب و .. موجب پیوند بسیاری از این قبائل و ترک مخاصمه با یکدیگر شده و در نتیجه محبت قلبی آنان را نسبت به خود ایجاد کرده و تفکرات خود را به آنان تزریق کرد(الاشهب، بی تا: ۲۰).

۱۳. سنوسی مناطق تحت تسلط خود را از طریق تأسیس زوایا در مناطقی دور از حکومت عثمانی و در خارج از شهرها بنا می‌کرد تا از طرف حاکمان و موانع دیگر تحت فشار قرار نگیرد و همچنین این زوایا مأمونی برای جنگ زدگان و کسانی که در شهرها دچار این اختلافات شده بودند گردیده بود. لذا این ایده موجب گسترش زوایا و توجه مردم به جریان سنوسی گردید(الصلابی، ۲۰۰۱: ۷۰).

۱۴. ایجاد روحیه برادری و محبت

۱۵. ایجاد زندگی صلح آمیز

۱۶. عدم پذیرش نفوذ بیگانگان و افکار ضد اسلامی.

آسیب‌ها و نقاط ضعف این حرکت‌ها را می‌توان در موارد ذیل بر شمرد:

۱. رقابت بر منصب رهبری (صالحیه، ۱۹۸۰: ۳۹؛ ارسلان، ۲۰۱۰: ۹؛ صلابی، ۲۰۰۵: ۴۷).
۲. فقدان یک نظام و تفکر جامع و تأکید بیشتر بر جهاد و عدم توجه جدی به اندیشه کردن در امور مختلف حکومت.
۳. عدم وجود تجربه کافی در سیاست و برخورد با استعمار ایتالیا و انگلیس و عدم شناخت کافی استعمار(العيساوی، ۱۹۳۶: ۷۴).
۴. اعمال وحشیانه استعمار ایتالیا و استفاده از هواپیما و تانک، همراه با مثله کردن مردم و هتک زنان و تبعید و زندانی و تیرباران کردن حامیان سنوسی و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم(BiddleTami, 2002: 19 ؛ شبلی، ۱۹۹۶: ۱۶۸).
۵. خشکسالی و قحطی و عدم تأمین غذای مجاهدین در مناطق سوق الجیشی این

فرقه که منجر به شکست مقاومت این منطقه در اثر قحطی شدید گردید (شبل، ۱۳۹۰: ۵۵).

۶. کم تجربگی در امور جنگی (الصلابی، ۱۴۳۶: ۵۴)

۷. عدم سیاست راهبردی جامع در مواجهه با حکومت عثمانی

۸. وجود خائنین در نهضت و ضربه زدن به نهضت (الزاوی، ۲۰۰۴: ۱۵۸).

۹. عدم همراهی و پذیرش تفکر نهضت از طرف برخی قبائل

۱۰. اختلاف و نبود اندیشه واحد در برخورد با استعمار (همان).

یکی از عوامل ناکامی نهضت سنوسیه این بود که به جای اعتماد بر صاحبان تجربه و افراد شایسته، بر خاندان سنوسیه تکیه کرد؛ تکیه بر خاندان، ریشه در تاریخ خلافت اسلامی دارد که حکومت از زمان معاویه به صورت موروثی و به یک سیاست خاندانی تبدیل شد و تا زمان تأسیس این حرکت یعنی زمان خلافت عثمانی این الگو ادامه یافت. علاوه بر این، تصوّف در آفریقا برای سادات احترام خاصی قائل اند که گاهی به انحرافات هم چون عدم مؤاخذه سادات بر برخی جرم‌ها منجر می‌شود. بنابراین یک حرکت عمومی که می‌بایست افراد شایسته اداره آن را به دست بگیرند به یک ملک خصوصی تبدیل شد و اهداف اولیه خود را نادیده گرفت.

اشتباه بزرگ نهضت این بود که در برخورد با اندیشه‌های منحرف و خلاف واقع ملک ادریس، به جای برکناری او از منصب قدرت، تمام مناصب حکومتی و سیاسی را به او واگذار کردند. امری که منجر به انحراف مسیر نهضت گشت و نهضت محبوبیت خود را از دست داد.

فهرست منابع

۱. ابن عربی، محی الدین، (بی تا)، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالصادر.
۲. ابو یعقوب یوسف بن یحیی تادلی (ابن زیات)، (۱۴۳۷ق)، التشوف الی رجال التصوف، چاپ اول، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
۳. احمد بن حلیم، مصطفی، (۲۰۰۳)، لیبا انبعث امه... وسقوط دوله، کلن آلمان: انتشارات الجمل.
۴. احمد محمود، (۱۹۵۳)، عمر المختار، الحقله الأخيرة من الجهاد الوطنی فی طرابلس العرب، بی جا: مطبعة عیسی البابی الحلبی
۵. أرسلان، الأمير شکیب، (۲۰۱۰)، خلاصة رحلة المرحوم السيد أحمد الشریف السنوسی، چاپ اول، لبنان: دار التقديمة.
۶. اسماعیل، محمد محمود، (بی تا)، عمر المختار شهید الاسلام وأسد الصحراء، قاهره: مکتبه القرآن.
۷. الأشقر، عمر سلیمان، (۱۹۹۱)، الشریعة الإلهیة لا القوانين الجاهلیة، چاپ سوم، الأردن: دار النفائس عان
۸. الاشهب محمد الطیب، (۱۹۴۵)، برقه العربیه الامس و الیوم، القاهرة: الهوارى.
۹. _____ (۱۹۵۷) عمر المختار، چاپ اول، قاهره: انتشارات محمد عاطف.
۱۰. اکولا، فولیان، (۱۹۷۹)، «حركة المقاومة فی لیبیا»، ترجمه محمد علی داهش وزمیله، (العراق) العدد (۳) مجله آفاق عربیة
۱۱. امین، احمد، (۱۳۷۶)، پیشگامان مسلمان تجدد گرایی در عصر جدید، ترجمه یوسفی اشکوری، حسن، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۲. ایتالیندر، رولف، (۱۹۶۳م)، عشرة رجال من إفريقيا (حیاتهم، أعمالهم، أهدافهم)، ترجمه أحمد عبد القادر، تقدیم ومراجعة الدكتور أحمد موسى، القاهرة: الدار القومیة للطباعة والنشر.
۱۳. آملی، سید حیدر، (۱۳۵۲)، المقدمات من کتاب نص النصوص، چاپ اول، تهران: انتشارات قسمت ایران شناسی انستیتو ایران و فرانسه و پژوهش های علمی در ایران
۱۴. البهی، محمد، (۱۹۸۱)، الفكر الاسلامی فی تطوره، چاپ دوم، قاهره: مکتبه وهبه.
۱۵. توکل، محمد و دیگران، (۱۳۸۸)، جامعه شناسی معرفت، چاپ سوم، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۶. جامی، عبدالرحمن، (۱۸۵۸)، نفحات الأنس، کلکته: مطبعة لیسى.
۱۷. جندی، مؤید الدین، (۱۴۲۳ ق)، محقق: آشتیانی، سید جلال الدین، شرح فصوص الحکم، چاپ دوم، قم: انتشارات بوستان کتاب
۱۸. جهانگیری، محسن، (۱۳۷۵)، محیی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۱۹. حسن محمود، عبد الرحمن، (۱۴۱۹ ق)، محقق، سعد حسن، من أئمة الموحدين الامام محيي الدين بن عربي چاپ اول، قاهره: مكتبه عالم الفكر
۲۰. حسینی تهرانی، (۱۴۱۹ ق)، سید محمد حسین، لب الباب در سیرو سلوک، چاپ نهم، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
۲۱. الخطیب، محب الدین، (۱۳۵۱ ق)، السنوسیه و زعیمها الاکبر، مجله الفتح، شماره ۳۳۷، قاهره: دارالمطبعة السلفية.
۲۲. الدجانی، أحمد صدقی، (۱۹۶۷)، الحركة السنوسية، نشأتها و نموها فی القرن التاسع عشر، چاپ اول، بیروت: دار لبنان للطباعة والنشر.
۲۳. الزاوی، الطاهر أحمد، (۱۹۷۰)، جهاد الأبطال فی طرابلس الغرب، بیروت: دار الفتح للطباعة والنشر.
۲۴. _____، (۲۰۰۴)، عمر المختار، الحلقة الأخيرة من الجهاد الوطنی فی ليبيا، چاپ دوم، بیروت: دار المدار الإسلامی
۲۵. زقزوق، محمود حمدي، (۱۴۳۰ ق)، موسوعة التصوف الاسلامی، چاپ اول، قاهره: وزارة الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه
۲۶. زیاده، محمود، (۱۳۸۸ ق)، «السید محمد بن علی السنوسی»، مجله الوعي الإسلامی، سال چهارم، العدد ۳۹.
۲۷. السنوسی، سید محمد بن علی، (بی تا)، السلسيل المعین فی طرائق الاربعین، نسخه خطی الکترونیکی،
۲۸. _____، (۱۹۳۸)، ایقاظ الوسنان فی العمل بالحديث و القرآن، چاپ اول، مصر: انتشارات حجازی.
۲۹. السنوسی، احمد الشریف بن سید محمد بن علی (۲۰۱۳)، بغیة المساعد لأحكام المجاهد، الطبعة الأولى، دار الحسام.
۳۰. سوقی، الجمل، (۱۹۷۷)، المغرب العربی الكبير فی العصر الحديث، القاهرة: مكتبة الانجلو المصریة.
۳۱. شبلی، محمود، (۱۳۹۰)، عمر مختار، مترجم: سارلی، ازار محمد، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۲. _____، (۱۹۹۶)، حياة عمر المختار، چاپ ششم، بیروت: دارالجيل
۳۳. شکری، محمد فؤاد، (۱۹۴۸)، السنوسية دين ودولة، دار الفكر العربی
۳۴. صالحیة، محمد عيسى، (۱۹۷۸)، «أدوار فی حركة الجهاد الليبي»، مجله كلية الآداب والتربية، جامعة الكويت
۳۵. _____، (۱۹۸۰)، صفحات مجهولة من تاريخ ليبيا (وثائق من تاريخ السيد أحمد الشریف السنوسی، الحولية الأولى، جامعة الكويت، كلية الآداب.
۳۶. الصلابی، علی محمد محمد، (۲۰۰۱)، الثمار الزكية للحركة السنوسية فی ليبيا، (الإمام محمد بن علی

- السنوسى ومنهجه فى التأسيس)، الطبعة الأولى، الإمارات: الشارقة، مكتبة الصحابة
۳۷. _____، (۲۰۰۹)، تاريخ الحركة السنوسية فى أفريقيا، چاپ سوم، بيروت: دار المعرفة
۳۸. _____، (۲۰۱۵)، الشيخ الجليل عمر المختار (نشأته، أعماله، واستشهاده)، الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة أبصار للنشر والتوزيع
۳۹. عثمان، يحيى، (۲۰۰۱)، مؤلفات ابن عربى تاريخها و تصنيفها، احمد محمد الطيب، چاپ اول، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب
۴۰. العجم، رفيق، (۱۹۹۹)، موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامى، چاپ اول، بيروت: مكتبة لبنان الناشر
۴۱. العيساوى، محمد الاخير، (۱۹۳۶)، رفع الستار عما جاء فى كتاب عمر المختار، چاپ اول، قاهره: مطبعة حجازى.
۴۲. غراسيانى، جنرال رودلفو، (۱۹۸۰)، برقه الهادئة، ترجمه إبراهيم سالم بن عامر، چاپ سوم، بنغازى: دار مكتبة الأندلس للطباعة والنشر.
۴۳. فليح، حسن على، و شكرى، (۲۰۱۶)، «ياسين شهاب، الحركة السنوسية فى إفريقيا فى ضوء تقرير سرى بريطانى صادر عام» مجلة آداب الكوفة، الإصدار ۲۹.
۴۴. قيصرى، داود، (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، محقق: سيد جلال الدين آشتيانى، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمى و فرهنگى.
۴۵. کاشانى، عبدالرزاق، (۱۴۲۶ق)، اصطلاحات الصوفية، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية.
۴۶. کاندول، ثى. أف. دى، (۱۹۸۹)، الملك إدريس عاهل ليبيا (حياته وعصره)، چاپ دوم
۴۷. محمد عفين، محمد على، (۲۰۰۹)، «الزاوية السنوسية نشأتها و دورها الاقتصادى»، نشریه آداب الرافيدين، شماره ۵۴
۴۸. المدنى، سليمان، (۱۴۲۸ ق)، الموسوعة الصوفية، چاپ اول، دمشق: الحکمه.
۴۹. المقریف، محمد يوسف، (۲۰۰۶)، ليبيا بين الماضى والحاضر، صفحات من التاريخ السياسى، دولة الاستقلال، چاپ اول، القاهرة: مكتبة وهبة
۵۰. الملاح، هاشم يحيى، (۱۹۹۸)، «جهاد عمر المختار وتضحيات الجماهير»، ص ۲۶، مجله بحوث التاريخيه، شماره ۲، سال دهم، يوليوي: منشورات مركز دراسة الليبيين ضد الغزو الايطالى
۵۱. المنتصر، بشير السنى، (۲۰۰۸)، مذكرات شاهد على العهد الملكى، چاپ اول، الليبي.
۵۲. نكو نام، جعفر، (۱۳۸۶)، روش تحقيق با تأكيد بر علوم اسلامى، ويژه دوره هاى تحصيلات تكميلى چاپ چهارم، قم: نشر دانشگاه قم.
۵۳. هويدى، مصطفى على، (۱۹۸۸)، الحركة الوطنية شرق ليبيا خلال الحرب العالمية الأولى، چاپ اول، طرابلس: مركز دراسات جهاد الليبيين ضد الغزو الايطالى.
۵۴. يحيى، عثمان، الطيب، (۲۰۰۱)، احمد محمد، مؤلفات ابن عربى تاريخها و تصنيفها، چاپ اول، مصر:

الهیئة المصریة العامة للكتاب

۵۵. بیومی زکریا سلیمان، (بی تا)، الحركات والجمعيات والجماعات والمراكز والمؤسسات التي كان لها تأثير على الأمة الإسلامية في القرنين التاسع عشر والعشرين

1. Fall J.G.(1913), Three years In the Libyan desert (Translate by Elizabeth Lee) London
2. Adams, C.C.(1943), The sanussiy, order, handbook on Cyrenaica, Cairo
3. BiddleTami Davis,(2002), Rhetoric and Reality in Air warfare
4. E. Mangin,(1895), Note sur l'histoire de l'Aghouat un revue africanine, no38,
5. Thomson Gale (2005) ,Encyclopedia of word Biography on Omar al-Mukhtar Book Rags.com.
6. Evans-Prichard .E.E. (1949), The sanusi of Cyrenaica, oxfordm clarendon press
7. Hamilton. J. (1856), Wanderings in north Africa, London Murray.
8. Libya profile-timeline, (2011), bbc news Africa, 1 November.
9. Nicola Labanca, (2010), the embarrassment of Libya history, memory and politicas contemporary Italy, Journel issue California talian studies
10. www.libyanet.com
11. www.epistemeg.com
12. Peters, Emrys L, (1998), Social Structure and Change: Religion and Kinship (Social Structure and Change series) , Thomsand oask, Colifornia
- The place of the sanusiya oroler in the history of islam
13. Ziadeh N.A. Sanusiyah,(1958), Leiden E.J. Brill